

Rereading Urban Women's Rights during the Qajar Era on basis of Archival Documents of "Women's World in the Qajar Era"

Elnaz Bagheri Abyaneh*

Behzad Karimi**

Abstract


The prevailing image of women in the Qajar period, especially in the pre-constitutional period, which has been shown in studies, confirms a passive and completely marginal image. However, critical review of informal and family archival documents, especially documents provided and collected by the online archive of "Women's World in the Qajar Era", that approves social relations in less studied areas, show Women in various roles such as wife, mother and economic activist in the religious and traditional frameworks, had acceptable rights and, accordingly, social activism. On this basis, the authors have tried to obtain a comprehensive picture of the activities and occupations of women belonging to different social strata of the Qajar era by using the method of historical analysis based on archival documents and studies.

Keywords: Women, Law, Qajar Era, Archive of the Women's World in the Qajar Era.

* M.A in History of Islamic Iran, Meybod University, Meybod, Iran (Corresponding Author),
bagheri1781@gmail.com

** Assistance Professor of Iranian Studies, Meybod University, Meybod, Iran, bhkzkarimi@gmail.com

Date received: 25/7/2020, Date of acceptance: 17/1/2020

 Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بازخوانی حقوق زنان شهرنشین در دوران قاجار براساس اسناد آرشیوی «دنیای زنان در عصر قاجار»

الناز باقری ایبانه*

بهزاد کریمی**

چکیده

تصور غالب و تصویری که عموماً از زنان دوره قاجار، به‌ویژه در دوران پیشامشروطه، در مطالعات به‌نمایش گذاشته شده است مؤید تصویری منفعل و کاملاً حاشیه‌ای است، اما بازخوانی انتقادی اسناد و مدارک آرشیوی غیررسمی و خانوادگی، به‌ویژه اسناد فراهم‌آمده و جمع‌آوری‌شده توسط آرشیو برخط «دنیای زنان در عصر قاجار» که مؤید مناسبات اجتماعی در عرصه‌های کمتر مطالعه‌شده و محوریت این پژوهش است، نشان می‌دهد زنان در نقش‌های مختلف از جمله زوجه، مادر، و فعال اقتصادی در چهارچوب‌های شرعی و سنتی حقوقی مقبول داشته و بر همین اساس، کنش‌گری اجتماعی تأثیرگذاری داشته‌اند. نویسندگان بر همین اساس، با استفاده از روش تحلیل تاریخی مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و مطالعات، کوشیده‌اند تا تصویری همه‌جانبه از فعالیت‌ها و اشتغالات زنان متعلق به قشرهای گوناگون اجتماعی عصر قاجار به‌دست دهند.

کلیدواژه‌ها: زنان، حقوق، عصر قاجار، آرشیو دنیای زنان، دوره قاجار.

۱. مقدمه

تردیدی نیست که زنان، در مقایسه با مردان، درطول تاریخ ایران، جایگاه و نقشی فرودست داشته‌اند. جلوه‌های این فرودستی در عرصه‌های گوناگون نمایان است. در سپهر

* کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)، bagheri1781@gmail.com

** استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران، karimi@meybod.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰



سیاست، از حضور زنان جز کوتاه‌ادوار ایران باستان در مقام فرمان‌روا و پادشاه چیزی نمی‌بینیم (برای نمونه، بنگرید به کریستین سن ۱۳۶۸: ۶۴۷-۶۴۸) و در تاریخ ایران پس از اسلام نیز زنان گرچه در موارد متعددی چونان پرده‌نشینان بازیگر و بازی‌ساز در سیاست نقش آفرین‌اند، جز در حاشیه نتوانند بود.^۱ ادبیات فارسی نیز، تا اندازه‌ای به‌مثابه آینه جامعه ایرانی، آنچه از زن عرضه داشته است، غالباً در خوارداشت و مذمت اوست و زن در تصویری عام، دست‌کم در ادبیات رسمی فارسی، فنانه‌ای است که مردان باید همواره در مواجهه با او احتیاط پیشه کنند.^۲ در بُعد هستی‌شناختی نیز مؤنث صفتی است که در کیهان‌شناسی باستانی سرچشمه گرفته از مکاتب اسکندرانی و یونانی، به پدیده‌های فلکی و سیارات مغلوب و ضعیف منسوب شده است.^۳ در زمینه ادیان، به‌ویژه اسلام، نیز بدیهی است که دین‌نویسندگان اسلام بر ساختاری مردسالارانه بالید و اگرچه در آن ظرفیت‌های بسیاری از حیث تساوی زن و مرد وجود دارد، شوربختانه در خوانش‌ها و سوءبرداشت‌هایی متعصبانه و تنگ‌نظرانه، با تفسیری از زن مواجه می‌شویم که جایگاه فرودستش را در جامعه مستحکم‌تر می‌سازد.^۴

آماج این جستار تکرار مکررات درباب نادیده‌انگاشتن تعمدی زنان از سوی مردان در طول تاریخ نیست؛ هدف اصلی تعریف‌شده برای این نوشتار درست برخلاف جریان معمول این مقوله است. قصد اصلی نویسندگان جست‌وجوی حقوق و فعالیت‌های زنان در دوره‌ای از تاریخ ایران است که به تضييع حق زنان شهرت دارد.^۵ دوره قاجار، که طی آن برخی فتور در شئون تمدنی و فرهنگی راه یافت، هم‌زمان سرآغاز آشنایی ایرانیان با فرهنگ مدرن به‌شمار می‌رفت و، به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، فضایی مساعد برای طرح بحث از حقوق جدید زنان فراهم آورد.^۶ آنچه ما در این جا سرلوحه کار قرار داده‌ایم انکار فرودستی زنان در این روزگار نیست؛ این دوره در واقع در ادامه تاریخ طولانی زن‌ستیزی و فرودستی زنان است، اما در زمینه‌ای برآمده از مذهب و کارکردهای ضروری اجتماعی با انواع حقوق عمومی و خصوصی و زمینه‌های فعالیت برای زنان مواجهیم که در سایه هستی‌شناختی تاریخ تحولات ایران، که زن را در پس پرده نگاه داشته بود و در پرتو معرفت‌شناختی پژوهش‌های فمینیستی معاصر چندان مورد توجه قرار نگرفته است.^۷ نویسندگان این جستار بر این باورند که بازخوانی اسناد برجای‌مانده از زنان دوره قاجار می‌تواند دست‌کم در سپهر زندگی اجتماعی شهری نوری هرچند اندک بر زوایا و خبایای حقوق هرچند ناچیز زنان بیفکند و با کمک آن چه‌بسا بتوانیم در تفسیرهای امروزی از زندگی زنان قاجار، که مطلقاً «ضعیفه» پنداشته شده‌اند، تجدیدنظر کنیم.

تاکنون آرشیو «دنیای زنان در عصر قاجار» دست‌مایه تحقیقی از این دست قرار نگرفته است. از همین رو، می‌توان این جستار را افزون‌بر مواد و مصالح نوین از حیث ایده مرکزی آن نیز آغازکننده مسیری نو قلمداد کرد. با این حال، تاریخ زنان همواره از جمله موضوعات جذاب برای پژوهش‌گران تاریخ ایران، و به‌ویژه تاریخ معاصر ایران، بوده است. کم نیستند پژوهش‌هایی که در این حوزه در قالب‌های متفاوت مجال انتشار یافته‌اند که هر یک به طریقی تفاوت‌هایی با این جستار دارند. عمده پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه با استفاده از تاریخ‌نگاری‌ها یا سفرنامه‌ها به‌سامان شده‌اند. بنفشه حجازی، که شاید بیش‌ترین فعالیت را در سال‌های اخیر در زمینه نگارش تاریخ زنان داشته است، در آثارش و به‌ویژه در کتاب *تاریخ خانم‌ها: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار* که مرتبط‌ترین اثر با موضوع این جستار تواند بود، به سراغ اسناد نرفته و کتاب خود را صرفاً براساس مطالعات کتاب‌خانه‌ای و مبتنی بر سفرنامه‌ها نوشته است. هم‌چنین غالباً آثار وی نشان‌دهنده همان تصویر کلیشه‌ای مرسوم از زن ایرانی است. بشری دلریش نیز از جمله پژوهش‌گرانی است که در باب وضعیت زنان، و به‌ویژه در ادوار پیش از مشروطه، کار کرده است و براساس سفرنامه‌ها به بررسی فرودستی زنان در کتاب *زن در دوره قاجار* پرداخته است. شاید بتوان یکی از نزدیک‌ترین آثار به این جستار را مقاله «روابط حقوقی زن و مرد دوره قاجار در نظام خانواده»، نوشته مرتضی دهقان‌نژاد و الهه محجوب، دانست. نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند تا تصویری از مناسبات حقوقی زنان و مردان در دوره مورد مطالعه این جستار ترسیم کنند، اما منابع آن‌ها بیش‌تر شامل اسناد سازمان ملی ایران و منابع سفرنامه‌ای است که از این آخری بارها در موضوع زنان استفاده شده است؛ ضمن این‌که تنوع اسناد جستار حاضر بسیار گسترده‌تر از انواع اسنادی است که در مقاله یادشده از آن‌ها استفاده شده است. کتاب *پژوهشی در عقده‌نامه‌های ازدواج دوره قاجار*، نوشته مریم جواهری، اثر دیگری است که شباهت‌های شکلی با این مقاله دارد. نویسنده کار خود را در این کتاب براساس اسناد پیش برده، اما فقط از اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی بهره گرفته است. ضمن آن‌که کار وی فقط مشتمل بر عقده‌نامه‌های دوره قاجار است که صرفاً بخشی از اسناد پایه این پژوهش را شامل می‌شود. دیگر کار مشابه را، که اتفاقاً باز در زمینه اسناد ازدواج انجام شده است، می‌توان مقاله حسین طیبانی با عنوان «سیری در قباله‌های ازدواج» دانست که در آن بیش‌تر به بررسی جنبه‌های حقوقی ازدواج (با استناد به عقده‌نامه‌های این روزگار) پرداخته شده است و همان‌طور که اشاره شد صرفاً بخشی از اسناد اساسی این مقاله است. این‌ها صرفاً نمونه‌هایی از آثار متعددی است که درباره زنان قاجاری

نوشته شده است. اشاره به آن‌ها فقط از باب ضرورت آشنایی اجمالی با ادبیات پژوهش صورت گرفت و می‌توان فهرست این آثار را، که عموماً در حال‌وهوای آثار یادشده نگاشته شده‌اند، طولانی‌تر کرد.

آرشیو «دنیای زنان در عصر قاجار»، که اکنون از طریق سایتی به همین نام در فضای مجازی در دسترس قرار دارد، در سال ۲۰۰۹ به ابتکار افسانه نجم‌آبادی، استاد مطالعات زنان و جنسیت در دانشگاه هاروارد و با تأمین مالی از سوی این دانشگاه، راه‌اندازی شد. هدف اصلی این سایت، آن‌چنان که نجم‌آبادی به آن اشاره کرده است، تشکیل یک آرشیو تاریخ اجتماعی از زندگی روزمره زنان در دوره قاجار بوده که انگیزه اصلی آن کمبود منابع و اسناد دست‌اول درباره زنان و غالب بودن روایت مردسالارانه از تحولات و حوادث این دوره مهم تاریخی ذکر شده است (نجم‌آبادی ۱۳۹۲). نکته مهم درباره این آرشیو، که اکنون بیش از چند هزار سند را در قالب ده‌ها هزار تصویر در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌دهد، توجه به جمع‌آوری اسناد و مدارک غیررسمی از زنان بوده است. گرچه این آرشیو، به شکل محدود، منابعی از اسناد رسمی یا آرشیوهای معتبری چون سازمان اسناد ملی ایران، کتابخانه ملک، و مرکز اسناد آستان قدس نیز دارد، اما ارزش آن مربوط به اسنادی است که نجم‌آبادی و گروهی کوچک از پژوهش‌گران خانه‌به‌خانه و شهربه‌شهر از مناطق گوناگون ایران، به‌ویژه تهران، گردآوری کرده‌اند (میربغدادآبادی ۱۳۹۲). این اسناد هم‌راوی زندگی زنان متعلق به طبقه اشراف و اعیان و هم حکایت‌گر زندگی روزمره زنان بی‌نام‌ونشان عمدتاً شهری است. به همین علت است که این آرشیو را می‌توان گنجینه‌ای ارزشمند برای سامان‌دادن به پژوهش‌های سندشناختی در زمینه زنان عصر قاجار ارزیابی کرد که متأسفانه تاکنون توجه جدی چندانی به آن نشده است.

اسناد این آرشیو شامل گونه‌های متفاوتی از اسناد است که می‌توان آن‌ها را ذیل این دسته‌بندی‌ها جای داد:

- مکتوبات متثور و منظوم از جمله نامه‌ها، مقالات، سفرنامه‌ها، رساله‌ها، و نشریات؛
- قباله‌ها از جمله نکاح‌نامه، پشه‌نامه، صلح‌نامه، وکالت‌نامه، و وقف‌نامه؛
- عکس‌ها؛
- اشیا و آثار هنری متعلق به زنان؛
- مصاحبه با زنان در قالب فایل‌های صوتی.

نویسندگان این جستار با امعان نظر به کم نظیر یا بی نظیر بودن بسیاری از این اسناد، که فقط در اختیار خانواده‌ها قرار دارد، و باتوجه به ضرورت مطالعه این اسناد به عنوان هدف غایی در نظر گرفته شده برای راه اندازی چنین گنجینه‌ای ارزشمند، پژوهش خود را بر اسناد و مدارک فراهم آورده از این آرشیو استوار ساخته‌اند. هدف نویسندگان این جستار برای سامان دادن یک مقاله محدود از میان هزاران سند ارائه شده در این پایگاه برخط با دغدغه عرضه تصویری نسبتاً جامع از وضعیت زنان در دوره مطالعه باعث شده است تا به شیوه‌ای استقرایی عمل کنند که روش معمول میان مورخان است و گزیده‌ای از اسناد را، باتوجه به موضوع اصلی این نوشتار، مبنای کار قرار دهند. گستره مکانی اسناد گزینش شده در این جستار بیش تر محدود به شهر تهران، شیراز، تفرش، و مناطقی از گیلان است و به لحاظ زمانی بازه‌ای بین ۱۲۴۳ تا ۱۳۴۶ق را دربر می‌گیرد. بر همین اساس، اسناد با معیار موضوعات مورد توجه در این مقاله در چند حوزه مشخص دست‌چین شده تا چشم‌اندازی نسبتاً کامل از حقوق زن دوره قاجار در نقش‌های متفاوت به دست داده شود:

۱. حقوق زن در مقام زوجه؛
۲. حقوق زن در مقام مادر؛
۳. حقوق و فعالیت‌های اقتصادی زنان؛
۴. حقوق زنان در دعاوی و مراجع قضایی.

۲. حقوق زن در مقام زوجه

پیوند زناشویی از قدیمی‌ترین پیوندهایی است که میان انسان‌ها شکل گرفت و مورد توجه قرار گرفت و در پی آن حقوقی برای طرفین وضع شد. مهم‌ترین منابع برای وضع این حقوق در کشور ما قوانین شرعی و عرفی حاکم بر جامعه‌اند و البته بعد از تأسیس مجلس و در پی آن قانون‌گذاری در ایران این حقوق شکل رسمی‌تری به خود گرفت. اما آنچه از مطالعات درباره این دوره از ازدواج و بنیان خانواده در ایران برمی‌آید این‌که در نظر کلی «تشکیل خانواده محترم و بنیاد خانواده معتبر بوده است و البته پدر سالار، زن و فرزند بنده و فرمان‌بردار و از مقام اجتماعی زن و حقوق انسانی از او خبری نیست» (آدمیت و ناطق ۱۳۵۶: ۲۲). مهم‌ترین اسنادی که در این بخش برای بررسی حقوق زنان، در مقام زوجه، در زندگی مشترک مطالعه شد شامل نکاح‌نامه‌ها، طلاق‌نامه‌ها، صلح‌نامه‌ها، عریضه‌ها، و وصیت‌نامه‌هاست.

۱.۲ نکاح نامه‌ها

حقوق زنان را از میان عقدنامه‌ها در چند بخش جداگانه می‌توان بررسی کرد:

(۱) معرفی زوج و زوجه؛

(۲) مهریه؛

(۳) شرایط ضمن عقد یا حاشیه‌نویسی‌های حقوقی.

۱.۱.۲ معرفی زوج و زوجه

در تمامی عقدنامه‌های بررسی شده، در ابتدا نام زوج و سپس نام زوجه آورده شده است. در تمامی آن‌ها، پس از ذکر نام هریک از زوجین، نام پدر آن‌ها و در برخی موارد نام جد پدری آمده است. به جز یک مورد، که به صراحت طفل بودن زوجین در عقدنامه بیان شده است، در سایر موارد زوجه را با عناوینی مانند «العاقله»، «البالغه»، و «الرشیده» خطاب قرار داده‌اند که بیان‌گر اهمیت رشد جسمانی و آمادگی زوجه برای ازدواج است. هم‌چنین در مواردی کلمه «المختاره» هم در معرفی زوجه آورده شده است که می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که در این دوران به آزادی انتخاب زوجه اهمیت داده شده است. در معرفی زوجین و پدران آن‌ها، اغلب نام شهر یا محل سکونت هریک از طرفین به‌اضافه شغل زوج، پدر زوج، و پدر زوجه بیان شده است. این مسئله در شناخت طبقه اجتماعی و اقتصادی زوجین و بررسی دقیق‌تر حقوق زنان در میان اقشار گوناگون جامعه شایان تأمل است (دزدعق، مجموعه بهرام شیخ‌الاسلامی سند ۱۰۱۶A۱۸۳؛ دزدعق، مجموعه کارن، سند ۱۲۵۲A۱۳۹).

۲.۱.۲ مهریه

مهریه معمولاً شامل یک یا چند قلم از چنین اقلامی است: وجه نقد، فلزات قیمتی، آب، املاک زراعتی، عمارت مسکونی، طاحونه (آسیاب)، اجناسی مانند فرش و لباس و رخت‌خواب، جام و آیینه، یک جلد قرآن (که مبلغ هدیه آن در بیش‌تر موارد در عقدنامه ذکر می‌شده است)، و در چند مورد کنیز یا جاریه حبشی. در اکثر موارد، وجه نقد از اقلام ثابت یا تنها مورد مهریه بوده است که اغلب جنس و وزن سکه ذکر می‌شده است. وزن سکه با نخود (واحد اندازه‌گیری وزن معادل یک‌بیست و چهارم مثقال) مشخص می‌شده است. واحد رایج تومان است و البته در چند مورد هم از لفظ روپیه استفاده شده که عموماً متعلق به دوره فتحعلی‌شاه است (دزدعق، مجموعه میثم احمدی کافشانی، سند

۱۵۱۶۱۸۱۸). از ۱۸۰ عقدنامه بررسی شده در این سایت، به جز چند مورد انگشت‌شمار، در تمامی آن‌ها وجه نقد حتماً در مهریه بوده است (به‌عنوان تنها قلم یا بخشی از مهریه). در مواردی که وجه نقد جزو مهریه نبوده است عمارت، ملک زراعی، حق آب، و طاحونه مهریه زوجه قرار داده شده است.

از میان عقدنامه‌های مطالعه‌شده در این قسمت، در ۱۲۰ عدد از آن‌ها بخشی از مهریه و تا حدود نیمی از آن قبل از جاری شدن خطبه عقد پرداخت شده بوده است. در این باره، هیچ قانونی مبنی بر پرداخت مهریه به‌هنگام خواندن خطبه عقد یا قبل از آن در قوانین شرع اسلام یافت نشد و به‌نظر می‌آید این نحوه پرداخت عرف مرسوم آن دوره بوده است. در ۲۴ مورد از عقدنامه‌های بررسی شده، برده با لفظ جاریه حبشی و غلام هم از اقلام مهریه است. قدیمی‌ترین آن‌ها به سال ۱۲۰۸ق و متعلق به دوره آغامحمدخان است و آخرین آن‌ها در دوره احمدشاه و به سال ۱۳۲۹ق است. البته یک مورد هم به سال ۱۳۶۰ق (معادل ۱۳۲۰ش) و دوره پهلوی در اسناد موجود بود. نکته درخور ذکر در این باره این است که از مجموع ۲۴ مورد، فقط چهار مورد آن بعد از مشروطه بوده است. یعنی هرچه به پایان سلطنت ناصرالدین شاه نزدیک‌تر می‌شویم، از تعداد این قلم در مهریه کاسته می‌شود. شاید علت این روند کاهش را بتوان قانون منع برده‌داری در ایران دانست که از زمان محمدشاه و تحت فشار انگلیسی‌ها در ایران آغاز شده بود (علی‌پور ۱۳۸۹: ۱۳۹).

استفاده از اقلامی مانند گوسفند، زمین‌های کشاورزی، آب، و طاحونه، که همان منابع تولید ثروت در اقتصاد کشاورزی ایران بوده است، به‌عنوان مهریه می‌تواند بیان‌گر نوع معیشت مردم و تأثیر آن در تعیین مهریه باشد. در عقدنامه‌ها، در قسمتی که مربوط به مهریه است، اگر مهریه شامل املاک یا عمارت مسکونی باشد، حدود دقیق آن در عقدنامه ذکر شده است تا جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نباشد. معمولاً پرداخت مهر بر ذمه زوج است ولی اگر برعهده شخص دیگری بوده، بسیار دقیق و با ذکر جزئیات مشخص می‌شد که پرداخت کدام قسمت از مهریه برعهده چه کسی است. معمولاً وجه نقد بر ذمه زوج و وجه غیرنقد بر ذمه پدر، برادر، و حتی در مواردی برعهده مادر زوج بوده است. البته باتوجه به این‌که این موارد معمولاً شامل مهریه‌های غیرنقدی است، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که چون این املاک در تملک خانواده زوج بود، آن‌ها مهریه را برعهده گرفته‌اند (دزدعق، مجموعه الهه بهرامی، سند ۱۶۱۷۵۸۳۸). در بعضی از این موارد مانند نمونه بالا، قبل از اجرای صیغه عقد، املاک و موارد دیگر را پدر یا مادر در حق فرزند خود مصالحه می‌کردند که در نتیجه آن مهریه بر ذمه زوج قرار می‌گرفت.

چگونگی ضمانت پرداخت مهریه‌ها هم از مسائل تأمل‌برانگیز در بررسی عقدنامه‌هاست. از آنجایی که طبق قوانین شرعی و عرفی، پرداخت مهریه از حقوق قانونی زنان و زوجه است، مسلماً ضمانت پرداخت آن هم از موارد مهم و شایان توجه است. همان‌طور که گفته شد، در بسیاری موارد بخشی از مهریه قبل از جاری شدن صیغه عقد پرداخت می‌شده است. اکثر موارد لفظ «عندالمطالبه» برای مواردی که مهریه «کامل پرداخت نشده و هنوز بر ذمه زوج است» نوشته شده، بدین معناست که هر زمان زن مهریه‌اش را طلب کرد، مرد باید آن را پرداخت کند. البته در مواردی هم، در کنار این لفظ، الفاظ «عندالاستطاعه» و «عندالقدره» نیز به کار برده شده است؛ یعنی شرط پرداخت مهریه به توانایی زوج منوط شده است (دزدعق، مجموعه میثم احمدی کافشانی، سند ۱۵۱۶۱۸۶۶).

۳.۱.۲ شرایط ضمن عقد یا حاشیه‌نویسی‌های حقوقی

از ۱۸۰ عقدنامه بررسی شده در مجموعه‌های آرشیو، حدود سی عقدنامه شروط ضمن عقد داشتند. این شروط از مواردی است که در آن‌ها می‌توان حقوق زنان را مطالعه کرد. در شروط ضمن عقد، زوج بخشی از حقوق خود را رسماً به زوجه واگذار می‌کند که از حیث تفاوت این رویکرد با تصویری که از تضييع حقوق زنان در این دوره داریم، دارای اهمیت بسیار است. مهم‌ترین و بیش‌ترین شروط ضمن عقد را می‌توان این‌گونه طبقه‌بندی کرد:

۱. حق تعیین مکان زندگی؛
۲. واگذاری حق طلاق به زوجه در صورت پرداخت نشدن نفقه توسط زوج در یک بازه زمانی مشخص یا حدوث برخی شرایط خاص؛
۳. سایر شروط (مانند شرط نگهداری از فرزند زوجه، شرط اختیار زوجه دیگر، و محل اسکان آن‌ها).

۱.۳.۱.۲ حق تعیین مکان زندگی

اولین مورد حق انتخاب زوجه را برای محل سکونت بیان می‌کند و به عناوین مختلف بیان شده است. گاهی فقط ذکر شده است حق انتخاب مکان و مسکن با زوجه است و گاه به صراحت بیان شده زوج بدون رضایت زوجه او را از محل یا شهر ذکر شده خارج نکند یا از قریه موردنظر به جای دیگر نبرد. یک مورد هم آمده است اگر زوج بخواهد زوجه را از تهران خارج سازد و او راضی نباشد، باید پنجاه تومان به او بدهد و وی را ببرد (دزدعق، مجموعه کارن، سند ۱۲۵۲ A۱۳۶).

۲.۳.۱.۲ واگذاری حق طلاق

در شرط دوم، حق طلاق زن در صورت نرسیدن نفقه و کسوه^۸ و مخارج زندگی بیان می‌شود. اغلب برای این شرط مدت زمان قید می‌شود؛ مثلاً برای مدت سه یا شش ماه یا یک سال و... و مدت استفاده از این شرط را تعداد سال‌هایی که در عقدنامه ذکر می‌شد تعیین می‌کردند. برای مثال، برای بیست یا پنجاه سال زوجه می‌توانست از این شرط استفاده کند و مقدار نفقه روزانه هم در برخی موارد در عقدنامه ذکر شده است. پس اگر زوج به سفر می‌رفت یا غایب می‌شد و طی مدت زمان مشخص مخارج روزانه زوج را تأمین نمی‌کرد، زوجه می‌توانست، با استناد به این شرط، خود را مطلقه کند. باتوجه به شرایط خاص آن دوران و نبود وسایل مناسب برای سفر و اتفاقات پیش‌بینی نشده و حتی موارد دیگری که زوج به هر علت غایب می‌شد و همسر و خانواده را رها می‌کرد، به نظر می‌آید این شرط نوعی چاره‌اندیشی برای حل مشکلات بعد از ازدواج زنان بود تا بتوانند در غیاب زوج، زندگی خود را ادامه دهند و از حقوق طبیعی یک زن و البته یک انسان برخوردار باشند (دزدعق، مجموعه کارن، سند ۱۲۵۲A۱۹۹).

۳.۳.۱.۲ سایر شروط

تعداد این دسته از دو دسته قبلی کم‌تر است و موارد متعددی را شامل نمی‌شود. برای مثال، در یک مورد شرط زوجه برای طفل صغیرش از همسر قبلی خود است که مخارج طفل صغیر تازمانی که صغیر است با زوج است (دزدعق، مجموعه کارن، سند ۱۵۵ A۱۲۵۲۸). در موردی دیگر، این شرط بیان شده که اختیار مکان با زوجه است و اگر زوج خواست زوجه را پهلوی زوجه دیگر خود مسکن دهد، باید یک‌صد تومان مجانی و بلاعوض به مندره بدهد (همان: سند ۱۲۵۲ A۱۳۳).

۲.۲ طلاق‌نامه‌ها

بنابر باور عمومی و آنچه در نوشته‌های مربوط به این دوره آمده است، در نظام خانوادگی دوران قاجار و بر مبنای قانون شرع، حق طلاق با مردان بوده است (مهیزی ۱۳۹۰). از میان حدود شصت مورد طلاق‌نامه یا وکالت‌نامه طلاق بررسی شده در اسناد موجود، تقریباً در تمامی موارد، مسائل مربوط به مهریه، نفقه، کسوه، و سایر حقوق زن به صراحت بیان و تعیین تکلیف شده است. درخور ذکر است که طلاق‌نامه‌ها معمولاً در ادامه یا پشت قبالة ازدواج یا نکاح‌نامه درج شده‌اند. در این اسناد نحوه وصول مهریه،

نفقه، و کسوه با جزئیات بیان شده است؛ خواه به صورت کامل و نقد پرداخت شده و بعد صیغه طلاق جاری شده خواه این که پرداخت این دیون به صورت اقساط و ماهیانه بوده باشد. برای مثال، در طلاق نامه کنز و رجبعلی بیک به سال ۱۳۱۹ق مبنی بر طلاق زوجه نصف دارایی موروثی والد ناکح و یک سهم از طاقه از چشمه مشهور به چشمه رجبعلی به علاوه ده ریال نقد تسلیم زوجه شد و شرط شد که در صورت تمایل زوج به رجوع، ابتدا باید معادل تمام مهریه را تسلیم زوجه کند. اسناد بسیاری هم مبنی بر وکالت نامه‌ها یا عریضه‌ها برای احقاق حقوق زن در زمینه طلاق یا دیونی در دست است که برعهده مرد است. از موارد بررسی شده در عقدنامه‌ها، که شامل شرط ضمن عقد بود، دو مورد دارای وکالت نامه‌های طلاق است و زوجه از حق خود در این زمینه استفاده کرده است. سند ۱۲۵۲۸۱۹۹ (متعلق به مجموعه کارن) متضمن شرط ضمن عقدی است که بر مبنای آن در صورت غیبت زوج به مدت شش ماه و پرداختن نفقه در این ایام زن حق دارد خود را مطلقه اعلام کند. البته طبق اسناد، فقط زنانی که از شروط ضمن عقد در عقدنامه‌های خود برخوردار بودند حق درخواست طلاق نداشتند، بلکه بدون این شروط هم به کرات در وکالت نامه‌ها یا عریضه‌ها زنانی را می‌بینیم که به علل گوناگون برای طلاق اقدام کرده‌اند؛ مانند شکایت همسر حیدرخان به شجاع الدوله و درخواست او برای این که یا حیدرخان نفقه و کسوه هفت ساله‌اش را بدهد یا او را طلاق دهد (دزدعق، مجموعه امیرحسین نیک‌پور، سند ۱۴۱۴۲۸۵۲۱). مواردی هم مشاهده شده است که زنان به حقوق خود در مورد طلاق دست نیافته‌اند و مجبور به شکایت یا عریضه نویسی شده‌اند. به طور کلی، با بررسی طلاق نامه‌ها و وکالت نامه‌های طلاق می‌توان به این نتیجه رسید که به رغم تصور عمومی مبنی بر این که زنان این دوره از هیچ گونه حقی در زمینه طلاق و احقاق حقوق خود برخوردار نبودند و همیشه حق طلاق با مردان بوده است و بی دلیل می‌توانستند زوجه خود را مطلقه سازند، زنان در موارد متعددی خود درخواست طلاق داده‌اند و البته مواردی هم که طلاق داده شده‌اند اگر به حقوق خود که در عقدنامه ذکر شده بود نرسیده بودند، می‌توانستند به مراجع قضایی مراجعه کنند یا به طرق دیگر برای به دست آوردن حق خود اقدام کنند. از این گونه موارد می‌توان به سندی اشاره کرد که طبق آن بالاخانوم، دختر میرزا مهدی، در سال ۱۳۲۳ق به سبب طلاق بدون اطلاع قبلی نامه‌ای به حجت الاسلام امام جمعه و جماعت مملکت فارس نوشته است (دزدعق، مجموعه جمال رادفر، سند ۱۶۱۷۹۸۶۹) یا طبق سندی دیگر، دختر حسین خان کلانتر را همسرش، ملامحمد، به لفظ ثلاثه طلاق داده است و دادگاهی به همین منظور در

خانقین تشکیل شده و چهار نفر در شهر قصر برای ادای شهادت منتظر دادگاه‌اند (دزدعق، مجموعه زانیار نوری، سند ۱۳۱۱۸B۱۷).

۳.۲ صلح‌نامه‌ها

صلح در لغت به معنای سازش، آشتی، و توافق است و در قرآن و سنت نیز عقد صلح به معنای پایان بخشیدن به دعوا به کار می‌رود. البته لزومی ندارد حتماً اختلافی در میان باشد تا بتوان از صلح‌نامه استفاده کرد، بلکه صلح‌نامه‌ها و عقد صلح می‌توانند وسیله معامله یا اجاره هم قرار گیرد (برای تعریف و ساختار رایج صلح‌نامه و شرایط فقهی مصالحه‌نامه‌ها، بنگرید به رضایی ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۸). صلح‌نامه‌ها قسمت اعظم اسناد موجود در سایت را تشکیل می‌دهند و در موارد متعددی از آن‌ها استفاده شده است. اما آن بخش از صلح‌نامه‌ها که در این قسمت از آن‌ها بهره برده شده است صلح‌نامه‌هایی هستند که بخشی از حقوق زنان را در مقام زوجه در زندگی مشترک بیان می‌کنند و اغلب بر دو قسم‌اند: صلح‌نامه‌های مربوط به مهریه و صلح‌نامه‌های مربوط به طلاق و حقوق زن از نفقه، کسوه، و مخارج زندگی.

در مورد اول، صلح‌نامه‌های مربوط به مهریه لزوماً در هنگام دعوا و حل اختلافات نوشته نشده‌اند. در موارد این چنینی، این مصالحه‌ها اغلب درباره تغییرات در حدود املاک مهریه است. با توجه به این که معمولاً قسمت‌هایی از املاک متفاوت در مهریه ذکر می‌شد که بین چند نفر، به خصوص زوج و برادران و والدین او مشاع بود، معمولاً پس از مدتی به سبب مسائل و مشکلات خانوادگی یا فوت یکی از اعضای خانواده زوج، نیاز به تغییرات در حدود املاک مندرج در مهریه بود. سه صلح‌نامه میان یک زوج و زوجه در دست است که در مورد اول، املاک متفاوت میان آن‌ها مصالحه شده است؛ در یکی از این قرارهای صلح، زوجه بر سر منافع و محصولات (چه نقدی چه غیرنقدی) از املاک قریه‌ای که در مصالحه قبلی زوج به او داده بود با همسرش مصالحه می‌کند و به صراحت ذکر شده است که زوج می‌تواند در تمام مدت عمر خود از منافع املاک استفاده کند و اختیار با خودش است و پس از فوت، املاک به زوجه تعلق دارد (دزدعق، مجموعه امیرحسین نیک‌پور، سند ۱۴۱۴۲A۴۲). دومین مورد در صلح‌نامه‌ها در بررسی حقوق زنان، در مقام زوجه، در زمان طلاق یا بعد از آن است. عموماً این گونه صلح‌نامه‌ها برای واگذاری یا بخشش حق مهریه، نفقه یا سایر دیونی بود که برعهده زوج قرار داشت. به نظر می‌آید آن دسته از صلح‌نامه‌هایی که قبل از اجرای صیغه طلاق یا حین آن صورت گرفته است غالباً به این

منظور است که زوجه بتواند خود را مطلقه سازد، اما در مواردی هم این مسئله بعد از طلاق صورت می‌گرفته است. احتمالاً برای پایان‌دادن به اختلافات این نوع مصالحه نوشته می‌شده است؛ مثال آن در سندی موجود است که زوجه بعد از طلاق، ابتدا بخشی از مهریه خود را بخشیده است، اما در سندی دیگر ادعا کرده است که عوض اموالش را دریافت نکرده و در نهایت میان او و مدعی‌علیه مصالحه شده است؛ تاریخ سند ۱۲۹۲ق و دوره ناصری را نشان می‌دهد (دزدعق، مجموعه ایران دیبی، سند ۱۴۱۴۵۸۲).

۴.۲ عریضه‌ها

زنان در عصر قاجار گاه برای احقاق حقوق خود به کارگزاران حکومتی یا قضایی عریضه یا شکایت‌نامه می‌نوشتند یا استشهادنامه‌هایی را که متضمن تأیید شاهدان بود، تنظیم می‌کردند تا بتوانند به حقوق خود، به‌منزله زوجه، دست یابند. عریضه در دوران قاجار به مراجع متعدد نوشته می‌شد. تا پیش از مشروطه و تشکیل مجلس، مخاطب عریضه‌ها محاکم شرع و عرف بودند و بعد از مشروطه تعداد زیادی از عریضه‌ها مخاطبشان مجلس، وزارت خارجه، و سایر دستگاه‌های حکومتی بوده است.

اسناد مربوط به این بخش را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد. اول، عریضه‌هایی که علیه زوج یا زوج سابق نوشته شده است و دوم، آن دسته از عریضه‌هایی که علیه زوج نیست، بلکه درخلال زندگی زناشویی و برای استیفای حقوق زن نوشته شده است. در مورد اول، چندین عریضه در اختیار است که زوجه برای احقاق حقوق خود از شوهرش عریضه نوشته است. برای مثال، در سندی از مجموعه جمال رادفر، قرارنامه بدهی مردی به زوجه‌اش به سال ۱۳۱۸ق آمده است که مرد در محضر شرع اقرار کرده مبلغ دویست تومان به همسرش مقروض است و بناشده در عرض پنج سال بدهی را بازگرداند و دو دانگ از شش دانگ یک باب خانه در شیراز را رهن وجه مذکور قرار داده است (دزدعق، مجموعه جمال رادفر، سند ۱۶۱۷۹۸۷۴). عریضه‌هایی هم نوشته شده‌اند تا ثابت کنند زنان عارض علاوه‌بر نگرفتن مخارج و نفقه موردآزار هم قرار گرفته‌اند و در ادامه، احکامی صادره از محاکم شرع را در این زمینه می‌بینیم که در جهت احقاق حقوق زن است (همان: سند ۱۶۱۷۹۸۱). انبوهی از این عریضه‌ها برای دریافت مهریه و دست‌یابی به سایر حقوق نوشته شده که عموماً با پاسخ مراجع مخاطب روبه‌رو شده است (برای نمونه، همان). نکته حائز اهمیت این‌که اگر به تاریخ این عریضه‌ها توجه کنیم، می‌بینیم برخلاف تصور کلی

درباره این دوره، این نوع از اسناد فقط به اواخر عصر قاجار تعلق ندارند، بلکه پیش از تشکیل مجلس و قانون‌گذاری هم زنان عریضه‌هایی برای احقاق حقوق خود می‌نوشتند و این نوشته‌ها را محاکم شرع پی‌گیری می‌کرده‌اند. البته این شکایات علیه زوج همیشه برای گرفتن حقوق و نفقه نیست، بلکه در مواردی اسنادی مشاهده می‌شود که زوج، برای حل اختلافات و گفت‌وگو با شوهرش، عریضه‌ای به یکی از محاکم شرعی یا افراد امین و ریش سفید، که عموماً از روحانیون‌اند، نوشته است تا مشکلات خود را بدین طریق حل کند (برای نمونه، بنگرید به همان: سند ۱۶۱۷۹۸۴).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، نوع دوم عریضه‌هایی که زنان می‌نوشتند مربوط به اختلافات با شوهر نیست، بلکه به منظور احقاق حقوق خود به منزله زوج بوده است. به این منظور می‌شود به عریضه‌هایی توجه کرد که برای آزادی شوهر یا تظلم به جهت زوج نوشته شده است (همان: سند ۱۶۱۷۹۸۱۰۵؛ دزدعق، مجموعه زانیار نوری، سند B۴۷ ۱۳۱۱۸). هم‌چنین چندین سند در همین زمینه در دسترس است مبنی بر این که زنی درخواست دریافت حقوق شوهرش را دارد. نمونه آن را در سندی از مجموعه زانیار نوری دیده می‌شود که زنی عریضه‌ای به وزارت خارجه در این باره نوشته است که همسرش کارمند کارپردازی ایران بوده و در حال خدمت به دست اشرار عثمانی کشته شده است و حال او درخواست دریافت حقوق شوهرش را دارد (دزدعق، مجموعه زانیار نوری، سند ۱۳۱۱۸۸۱۱).

۵.۲ وصیت‌نامه‌ها

موضوع محوری وصیت‌نامه‌ها در این دوره تقسیم ارث بود و سهم‌الارث زنان از میراث مردان (شامل به‌ویژه زوج و پدر) می‌توانست دست‌مایه اعتراض، شکایت رسمی، یا تنظیم مصالحه‌نامه‌هایی قرار گیرد. اسناد مربوط به ارث در آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱) وصیت‌نامه‌ها که در آن سهم‌الارث زن واضح بیان شده است؛ ۲) عریضه‌ها یا وکالت‌نامه‌های زنان با موضوع تعیین سهم‌الارث. نکته شایان توجه این که در اکثر این اسناد زوج تک‌زنه است و فقط در چند مورد انگشت‌شمار به تعدد زوجات زوج اشاره شده و این موضوع می‌تواند در مجالی دیگر به تفصیل بررسی شود. شواهد و قرائن موجود در اسناد نشان می‌دهد که در بیش‌تر مواردی که تعدد زوجات مطرح بوده، افراد متعلق به طبقه بالای جامعه بوده است و شواهد در این باره میزان اموال مرد یا منصب او است. به عبارت دیگر، می‌توان چنین

نتیجه گرفت که تعدد زوجات میان طبقات فرودست جامعه رواج نداشته است. نمونه آن را در سندی از مجموعه محمد عسگری می‌توان مشاهده کرد که مربوط به تقسیم‌نامه املاک و اموال میرزا محمدخان فخرالسلطنه میان زوجات و دخترانش است. در این تقسیم‌نامه تأکید شده است بعد از تعیین وضعیت صدقات زوجات به انضمام حق الثمن زوجات، باقی اموال میان دخترانش تقسیم شود (دزدعق، مجموعه محمد عسگری، سند ۱۴۱۸۳۲). البته نکته درخور ذکر درباره وصیت‌نامه‌ها این است که همواره تقسیم ارث مطابق قوانین شرع نبوده است (درباره مبانی فقهی و ساختار وصیت‌نامه، بنگرید به رضایی ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۹۶). در چند مورد در وصیت‌نامه‌ها زوج تمام یا بخشی از اموال خود را به زوجه‌اش داده است. در مجموعه خصوصی سیدمهدی خطیبی، چهار وصیت‌نامه از فردی به نام سیدتقی چرم‌فروش به دست آمده است که در وصیت‌نامه دوم به تاریخ ۹ رجب ۱۳۱۱ تمام اموال به زوجه‌اش، سلطان خانم، واگذار شده است (دزدعق، مجموعه سیدمهدی خطیبی، سند ۱۲۵۶۸۱۸). وصایایی نیز در دست است که در آن‌ها مرد زوجه خود را وکیل، وصی، یا ناظر بر وصیت‌نامه خود گمارده است، مانند وصیت‌نامه علی‌خان امین‌الدوله به سال ۱۳۲۹ق که زوجه‌اش را وصی و وکیل خود معرفی کرده و تأکیدش بر نگهداری مدرسه رشديه بوده که آن را خود تأسیس کرده است. در این وصیت‌نامه علاوه بر نقش مهم زن، به منزله همسر، شاهد اهمیت دادن به علم و فرهنگ هستیم و این‌که زنی از چنان قابلیت و جایگاهی برخوردار بود که اداره مؤسسه‌ای فرهنگی یا دست‌کم نظارت بر آن به وی واگذار می‌شد (دزدعق، مجموعه بهمن بیانی، سند ۳۱۸۰۶۶). در مجموعه منتخب اسناد برای نگارش این بخش، به جز یکی از آن‌ها که بی‌تاریخ است، اسنادی از دوره ناصری هم در دست است که در نگاهی تعمیم‌گرا می‌تواند بیان‌گر آگاهی بخشی از زنان از حقوق خود در دوره پیشامشروطه و احترام مردان به زنان، نقش، و اهمیت آنان در این دوره باشد.

دسته دوم اسناد مرتبط با حق‌الارث مربوط به عریضه‌ها و وکالت‌نامه‌هایی بود که در آن‌ها زنان در پی احقاق حق در زمینه سهم‌الارثشان بودند. در یک نمونه سندی به تاریخ ۱۳۱۶ق است که در آن زنی برای دریافت حق‌الارث ثمینة خود (یک‌هشتم) از ماترک شوهرش به شخص دیگر وکالت داده است (دزدعق، مجموعه موزة قاجار، سند ۱۴۱۵۰۸۲۸) یا در مورد دیگر عریضه‌ای می‌بینیم مبنی بر تقاضای تأیید واگذاری دارایی زوج به زوجه در زمان حیات (دزدعق، مجموعه غلامرضا سحاب، سند ۱۳۱۰۶۸۱).

۳. حقوق زن در مقام مادر

اسناد به دست آمده در این قسمت را می توان به دو دسته تقسیم کرد: (۱) اسنادی که ناظر به حق حضانت زنان است؛ (۲) اسناد مشعر به سایر حقوق مادران.

۱.۳ حق حضانت زن

باور عمومی این است که در روزگار قاجار و در زمینه حضانت فرزندان، حق زن در مقام مادر به هنگام طلاق یا فوت پدر به طور کلی نادیده گرفته می شد. با بررسی در اسناد سایت، به پنجاه سند دست یافته شد که در آن ها درباره حضانت یا قیمومت فرزند صغیر صحبت شده است و در چهارده مورد به صراحت نام یک زن در حکم قیم طفل یا اطفال آورده شده است که نسبت بسیار چشم گیری می تواند باشد. این دسته از اسناد یا شامل اسنادی است که به صراحت درباره حق حضانت در آن ها صحبت شده و برای احقاق این حق درخواست پی گیری شده یا در وصیت نامه و وکالت نامه حضانت به مادر داده شده است یا آن که در لابه لای موضوعات دیگر، مانند صلح نامه ها یا اجاره نامه ها یا بیع نامه ها، به حق حضانت یا قیمومت مادر اطفال صغیر اشاره شده است (برای نمونه، بنگرید به دزدعق، مجموعه جمال رادفر، سند ۱۶۱۷۹۸۸۶). از میان وصیت نامه ها و وکالت نامه های مربوط به ارث هم چهار سند به دست آمد که در آن ها به زن متوفی به عنوان قیم قانونی فرزندان صغیر برای پی گیری حقوق و ارثیه آن ها اشاره شده است؛ مثلاً در وکالت نامه ای برای دریافت ارث به تاریخ ۱۳۲۶ق آمده است که در آن زن مرحوم محمد کریم بیک شیرازی به قیمومت شرعی اولاد صغیر خود برای تعیین، دریافت، و تصرف متروکات شوهرش اشاره دارد (دزدعق، مجموعه جمال رادفر، سند ۱۶۱۷۹۸۸۴). در اسناد دیگری مانند صلح نامه ها و یا اجاره نامه ها نیز به نام زنان در مقام قیم قانونی و شرعی طفل یا اطفال صغیری اشاره شده که این زنان قیم از طرف این اطفال به معاملات اقتصادی می پرداختند (برای نمونه، بنگرید به دزدعق، مجموعه امیرحسین نیک پور، سند ۱۴۱۴۲۸۸۲). همان طور که دیدیم، حق حضانت فقط در زمان فوت پدر به مادر داده نمی شد، بلکه در زمان طلاق نیز برخلاف تصور عمومی، زنان می توانستند قیمومت فرزندان را به دست گیرند و البته زمانی که قیمومت به مادر تعلق می گرفت، مخارج فرزند با پدر بوده است. گفتنی است از چهارده سند بررسی شده، که در آن قیمومت فرزندان کوچک به زنی سپرده شده بود، در سه مورد رابطه مادری به صراحت ذکر نشده و زن دیگری به جز مادر

حضانت کودکان را برعهده داشته است و این موضوع نیز جای بررسی دارد؛ زیرا طبق عرف و شرع غالباً حضانت با پدر و جد پدری است و سپردن حضانت کودک به زنی که مادر او نیست و طبق تعریف حضانت مسئولیت کودک را تا سن بلوغ برعهده دارد خود جای تأمل دارد (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به مهریزی ۱۳۸۶).

۲.۳ سایر حقوق و اختیارات

طبق تصور و باورهای عمومی در دوره مطالعه مدنظر، حقی که زنان در مقام مادر داشتند با حقوق طبیعی آنان یکسان نبود. مادران فقط نقش فرزندپروری داشتند و با سایر حقوق خود آشنا نبودند. اکنون در این بخش قصد بر این است تا به سایر حقوق مادران پرداخته شود؛ از جمله حقوقی که در آن‌ها مادر اختیار اموالش را دارد و آن‌طور که می‌خواهد در مورد فرزندانش و اموالش عمل می‌کند. البته همیشه این صلح‌نامه‌ها با فرزند پسر نبوده است، بلکه در دو مورد هم این مسئله میان مادر و فرزند دخترش رخ داده است، آن هم با شرایط خاص از جمله اختیار فسخ یا برپاداشتن سفره اطعام یا هزینه برای نماز و روزه مادر (برای مثال، بنگرید به دزدعق، مجموعه آذرکیوان و محمدرضا رفیعی، سند ۱۲۸۰۸۹؛ دزدعق، مجموعه امیرحسین نیک‌پور، سند ۱۴۱۴۲۸۱۵۰). هم‌چنین اسنادی در دست است که نشان می‌دهد زن در مقام مادر در یک نقش آفرینی فوق‌العاده در مقابل توقیف منزل، ظلم ارباب، و بردن ناموس خانواده تظلم‌خواهی و تهدید کرده است که در اسطبل شجاع‌السلطنه بست خواهد نشست (دزدعق، مجموعه زانیار نوری، سند ۱۳۱۱۸۸۲۶).

۴. حقوق و فعالیت‌های اقتصادی زنان

مشارکت عمومی در امور تولیدی و اقتصادی از نشانه‌های پویایی هر جامعه است و به‌طبع نقش زنان نیز، به‌مثابه نیمی از جامعه، به‌شرط فراهم‌بودن زمینه حقوقی حضور آن‌ها در این عرصه‌ها در پویایی اقتصاد جامعه بسیار تأثیرگذار است. قسمت اعظم اسناد آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار مربوط به دادوستد املاک و اموال توسط زنان است که در قالب انواع مقبول عقود (برای کسب آگاهی بیشتر درباره انواع مقبول عقود، بنگرید به رضایی ۱۳۹۰: ۶، ۷۵-۷۶) و ایقاعات (برای آگاهی درباره انواع ایقاع، بنگرید به همان: ۶، ۷۴) انجام پذیرفته‌اند. این فعالیت‌ها اکنون در قالب اسناد صلح‌نامه، اجاره‌نامه، بیع‌نامه (برای تعریف و ساختار مبایعه‌نامه‌ها، بنگرید به همان: ۸۹-۹۹)، حبس‌نامه (برای تفصیل حبس‌نامه، بنگرید به

همان: ۱۳۳)، افرازنامه،^۹ نذرنامه،^{۱۰} و هبه‌نامه (درباره هبه‌نامه، بنگرید به همان: ۱۶۷) در اختیار ما قرار دارد. در این بخش، هریک از این انواع عقود و ایقاعات جداگانه بررسی می‌شود.

۱.۴ بیع‌نامه یا مبیعه‌نامه

از صد مورد سند مطالعه‌شده در این قسمت در ۸۹ مورد فروشنده خانم و در یازده مورد خریدار خانم ثبت شده است. قدیمی‌ترین سند به‌دست‌آمده در این قسمت مربوط به سال ۱۲۳۷ق است که بیع‌نامه‌ای است مربوط به سه قطعه ملک مشهور به درختستان، واقع در سه‌راه شمس‌آباد از قریه خوزان، به مبلغ سی تومان پول مسکوک (دزدعق، مجموعه سعید بدیهی، سند ۱۵۱۶۶۸۳۸). در بیع‌نامه‌های مورد مطالعه در ۸۷ مورد زنانی که یک طرف معامله بودند وکیل نداشتند و در سیزده معامله با وکالت از طرف زنان انجام شده است که در چهار مورد وکالت از طرف طفل صغیر بوده و در سایر موارد وکیل شوهر یا برادر است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اغلب وکالت‌نامه‌ها بدون وکیل و با حضور خود زنان انجام شده است (برای نمونه، بنگرید به دزدعق، مجموعه میثم احمدی کافشانی، سند ۱۵۱۶۱۸۴۶). مبیع یا مورد معامله‌شده در این اسناد از دیگر موضوعات بررسی شده بود. در بیش‌تر مبیعه‌نامه‌ها، موارد معامله‌شده شامل خانه مسکونی و عمارت زمین و باغ است و فقط در سیزده مورد موضوع معامله متفاوت است. از این سیزده مورد، نه مورد شامل سهم آب، سه مورد کنیز (همان: سند ۱۵۱۶۱۸۱۵۷)، غلام (دزدعق، مجموعه مرکز اسناد و کتابخانه استان یزد، سند ۱۳۱۲۲۸۳۱) و یک مورد حمام (دزدعق، مجموعه رضا سرابی اقدم، سند ۱۴۱۴۸۸۳۲) است.

۲.۴ اجاره‌نامه‌ها

از میان ۴۱ سند اجاره‌نامه بررسی شده، که در آن یکی از طرفین معامله زنان بوده‌اند، در ۳۳ مورد موجر و در هشت مورد مستأجر زن بوده است. از میان این اسناد، در هفت مورد وکیل به‌نیابت از زنان معامله را انجام داده است و در ۳۴ مورد زنان مستقلاً وارد معامله شده‌اند. در این هفت مورد، وکلا در یک مورد از جانب طفل صغیر معامله را انجام داده‌اند و در دو مورد زوجه (برای نمونه، دزدعق، مجموعه جمال رادفر، سند ۱۶۱۷۹۸۲۶۹) و در چهار مورد نسبت آن‌ها ذکر نشده است (برای نمونه، همان: سند ۱۶۱۷۹۸۳۱۲). مواردی که در اجاره‌نامه معامله شده‌اند اغلب شامل املاک و زمین زراعتی و باغ بوده‌اند؛ یک مورد

قنات، یک مورد سهم آب، و یک مورد دکان بود که در مورد آخر زن به قیمومت از فرزندانش معامله را انجام داده بود. طبق این سند اخیر اجاره‌نامه‌ای میان آقای مشهدی، پسر مشهدی احمد خرقانی، و بی‌بی خانم، زوجه هاشم، به قیمومت از جانب فرزندانش به تاریخ ۱۳۳۷ق درباره کل شش دانگ سه باب مغازه متصل به هم با مال‌الاجاره ۲۴۰ تومان منعقد شده است (دزدعق، مجموعه کارن، سند ۱۲۵۲۸۲۱۰).

۳.۴ هبه‌نامه

در اسناد این بخش، در ده مورد از هبه صحبت شده است که هشت مورد آن هبه‌نامه، یک مورد سند اختلاف برسر هبه‌نامه مادر (دزدعق، مجموعه ایران دیبی، سند ۱۴۱۴۵۸۸۲) و یک مورد دیگر هبه‌ای است که درباب مهریه از طرف مادر داماد در عقدنامه صورت گرفته است (دزدعق، مجموعه آستان قدس، سند ۱۴۱۲۶۸۶۹). در تمام ده مورد ذکرشده، عین موهوبه مال‌الارث یا مهریه است به‌جز یک مورد که پدر ملکی را خریده و به دخترش هبه کرده است (دزدعق، مجموعه اشرفی، سند ۱۱۳۸۸۱۸۷).

۴.۴ نذرنامه

در سه مورد از چهار مورد سند نذرنامه در آرشیو نذرکننده زن است؛ یک مورد نذرنامه مادر درحق فرزند یک مورد با زوج و یک مورد نذر میان ورثه انجام شده است (دزدعق، مجموعه موزه مردم‌شناسی اوز، سند ۱۶۱۸۴۸۱) که برای نمونه فاطمه، دختر عبدالقادر، سهم خود را از ارث مادری و پدری‌اش یعنی ربع کل خانه عبدالقادر را نذر فرزند بطنی‌اش از ملامحمد کرده است و محمد با قبول نذر مبلغ سی تومان نذر مادرش کرده است (دزدعق، مجموعه مجید قاضی‌زاده، سند ۱۶۱۸۷۸۲).

۵.۴ افرازنامه

طی این سند، تقسیم سهم مشاع هریک از شرکا به‌نسبت سهم انجام می‌شود. این مورد زمانی پیش می‌آید که شرکا در مالی شریک باشند و سهمشان مشخص نشده باشد. فقط یک مورد افرازنامه در آرشیو وجود دارد که طی آن یک قطعه زمین میان تاج‌النسا خانم و محمدرضا، پسر جعفرقلی بیگ، افراز شده است (دزدعق، مجموعه بهرام شیخ‌الاسلامی، سند ۱۱۳۹۸۱۱۱).

۶.۴ حبس نامه

از میان اسناد سایت تا زمان بررسی به دست پژوهش گران، فقط دو حبس نامه موجود بوده است که در یکی از آن ها سند حبس میان آقای حاجی عبدالباقی با هشت پسر و چهار دخترش، که اسامی آن ها در سند آمده، براساس سهم ارث هریک نهایی شده است (دزدعق، مجموعه کارن، سند ۱۲۵۲۸۲۵۶) و سند دیگر سند حبس زهراخانوم با پسرش به تاریخ ۱۳۲۹ق است (همان: سند ۱۲۵۲۸۲۵۰).

۵. حقوق زنان در دعاوی و مراجع قضایی

در این بخش قصد داریم به بررسی حقوق زنان در هنگام اختلافات پردازیم و بدانیم آیا در زمان اختلافات یا وجود مشکلات زنان می توانستند برای تظلم یا حل اختلاف به مرجعی مراجعه کنند یا خیر و هم چنین به هنگام مشکلات، روش آن ها برای حل اختلافات چگونه بوده است و در صورت بروز اختلافات، شریعت یا قانون از آن ها حمایت می کرده است یا خیر و نکته مهم دیگر این است که آیا زنان با حقوق خود در این زمینه آشنا بوده اند و می دانسته اند که به هنگام اختلافات می توانند از حقوقی که برای هر انسانی در هر جامعه ای وجود دارد بهره مند شوند یا نه. برای پاسخ به پرسش ها، بیش تر به سراغ عریضه ها و استشهادهای رفتیم تا روند پی گیری حقوق زنان را در محاکم شرع و سایر مراجع قضایی دوره قاجار دریابیم.

۱.۵ اختلافات مالی و ملکی

این بخش خود می تواند شامل تمام زیرموضوعاتی باشد که به اموال و املاک مربوط است مانند شکایت از ورثه، بدهی ها، تصرف املاک، دعوا بر سر زمین یا سهم محصول، دعوا میان موجر و مستأجر، و مواردی از این دست. از میان عریضه های موجود در سایت، شاید بیش ترین تعداد عریضه نویسی ها به این بخش تعلق دارد و دارایی و املاک با ۶۳ مورد عریضه دارای بیش ترین فراوانی اند. هم چنین دعوا بر سر میراث فرد در گذشته از مسائل رایج در دوره مورد نظر است. در میان اسناد، به اسنادی هم می رسیم که از کارگزاران حکومتی و حکام شکایت شده است؛ برای مثال، می توان به سندی اشاره کرد که دختر و نوه سلیمان خان صاحب اختیار درباره غارت املاکشان در همدان به دست نعمت الله خان شجاع الممالک و عباس خان از مظفرالدین شاه دادخواهی کرده اند (دزدعق، مجموعه زانیار نوری، سند ۱۳۱۱۸۸۹) و در سند مشابه دیگری از همین مجموعه، با شکایت چهار

زن گُرد به مجلس شورای ملی و شکایت از عدلیه کردستان به سال ۱۳۴۰ق مواجهیم که شاکیان طی آن مدعی شده‌اند که عدلیه در گرفتن حق آنان از قوام‌التجار و سالار مفخم کوتاهی کرده است. مجلس نیز طی تلگرافی به این زنان اطلاع داده است که شکایت آنان به وزارت عدلیه فرستاده شده و از سوی آن وزارت‌خانه از عدلیه کردستان خواسته شده است که حکم را اجرا کنند (همان: سند ۱۳۱۱۸۲۶).

از میان استشهادنامه‌های موجود در آرشیو، نوزده عدد را زنان نوشته و از این طریق شواهدی را علیه متشاکی پرونده فراهم آورده‌اند. بیش‌ترین موضوع طرح‌شده در این شهادت‌نامه‌ها مربوط به ارثیه و سهم‌الارث است. در هفت مورد شهادت‌نامه بدین منظور نوشته شده است. دو مورد مربوط به املاک، دو مورد درباره مهریه، و دو مورد نیز درباب تن‌خواه و مابقی مرتبط با موضوعات گوناگون دیگر است. قدیمی‌ترین این نوع اسناد تاریخ ۱۲۴۵ق را دارد که برای تثبیت اصالت سیادت از طریق مادر تنظیم شده است (دزدعق، مجموعه ایران دیبی، سند ۱۴۱۴۵۸۴). نکته شایان‌توجه درباره استشهادنامه‌ها این‌که برخلاف عریضه‌ها قدمت بیش‌تر آن‌ها متعلق به پیش از مشروطه است. از نوزده مورد استشهادیه فقط سه استشهادیه پس از مشروطه تنظیم شده که در جای خود درخور تأمل است.

۲.۵ اختلافات خانوادگی

بخشی از اسناد مربوط به اختلافات خانوادگی در عریضه‌های بخش قبل، که از حقوق زنان در مقام زوجه صحبت کردیم، بررسی شد. دسته دیگر این عریضه‌ها اختلافات برسر سهم‌الارث میان اعضای یک خانواده و موارد دیگر را شامل می‌شود. البته گفتنی است تعداد پرشماری وکالت‌نامه هم در آرشیو موجود است که در آن‌ها از طرف زنان به مردان وکالت داده شده تا برای پی‌گیری مطالباتشان اقدام کنند. عموماً این وکالت‌نامه‌ها برای حق‌الارث آن‌ها یا دیگر مشکلاتی است که در خانواده داشته‌اند؛ مانند سندی که در آن یک زن شخصی را وکیل خود قرار داده تا حق پدري‌اش را از املاکی به‌دست آورد که برادرانش فروخته‌اند (دزدعق، مجموعه ایران دیبی، سند ۱۴۱۴۵۸۵۳).

۳.۵ موضوعات متفرقه

در بخش شکایت‌های قضایی زنان، با تنوع فراوان اسناد مواجهیم؛ برای مثال، می‌شود به موضوعاتی نظیر سرقت، قتل، عقد اجباری، و ایجاد مزاحمت اشاره کرد. علاوه‌بر این

اسناد، در مواردی استثنایی چند نمونه عریضه در آرشیو در اختیار قرار دارد که مطابق آن‌ها مردان خود برای احقاق حقوق زنان، و نه به‌وکالت از جانب آن‌ها، دست به عریضه‌نویسی زده‌اند؛ برای مثال، شکایت مردی از عقد دختر نابالغش توسط ملارحیم و تقاضای تنبیه و تبعید او را می‌توان در سندی از مشاهده کرد (دزدعق، مجموعه عبدالعلی سلطانی مطلق، سند ۱۲۵۸۸۱۶).

۶. نتیجه‌گیری

آنچه در این جستار به بررسی آن پرداخت شد، مبتنی بر اسناد آرشیو برخط «دنیای زنان در عصر قاجار» بود. نویسندگان مدعی گردآوری همه اسناد در زمینه حقوق زنان نیستند، مگر می‌توان با وجود حجم اسناد عظیم اسناد برجای‌مانده از دوره قاجار چنین ادعایی کرد؟ اما بر این باورند که اسناد این آرشیو، که همگی با محوریت زنان گردآوری شده است، با امعان‌نظر به حقوق زنان شهرنشین در عصر قاجار و برای عرضه تصویری متفاوت از زنان این دوره مضامینی شگرف دارند. پژوهش‌گران ضمن آگاهی از ستم‌های واردآمده بر زنان از ساختار مردسالار فرهنگ ایران و با تأکید بر این بینش کلی که زندگی زنان روستایی و شهری از حیث حقوق مورد اشاره در این مقاله شرایط متفاوتی داشته، با بررسی اجمالی این اسناد، که فراهم‌آمده از اسناد خانوادگی و نه رسمی است، دریافته بودند که می‌توان خوانشی خلاف‌ماده عادت از زن ایرانی قاجاری ارائه کرد که در مطالعات جدید عموماً با عنوان «ضعیفه» و محروم از حقوق تصویر شده است. هم‌چنین در این دسته از مطالعات تلاش زنان برای آشنایی با حقوقشان و احقاق آن‌ها عمدتاً به آشنایی زنان با فرهنگ مدرن غرب در پرتو انقلاب مشروطه منتسب شده است. نویسندگان، با توجه به حجم بالای اسناد و تنوع موضوعات آن‌ها، به‌ناچار دست به انتخاب زدند و ذیل موضوعات: «حقوق زن در مقام زوجه در زندگی مشترک»، «حقوق زن در مقام مادر یا فرزند»، «حقوق و فعالیت‌های زن به‌منابۀ کنش‌گر اجتماعی»، «حقوق و فعالیت‌های زن در جایگاه فعال اقتصادی» و «حقوق زن در دعاوی و مراجع قضایی» اسناد را مطالعه، بررسی، و تحلیل کردند. حاصل این مطالعه درباره زنان شهرنشین نشان می‌دهد:

۱. در حوزه زندگی مشترک و با توجه به جایگاه زن در مقام زوجه، زنان حداقل در چهارچوب‌های موجود به آن‌چه طبق سنت و دین برای آن‌ها در نظر گرفته شده است دست می‌یافته‌اند؛

۲. بررسی اسناد مربوط به «حقوق زن در مقام مادر» ما را به این نتیجه رساند که زنان شهرنشین دوره قاجار نه تنها نقش خود را فقط مادر سستی، که یگانه وظیفه‌اش فرزندپروری و نگهداری از کودکانش است، نمی‌دیدند، بلکه در مواردی از حقوق خود آگاه بودند و از آن در مسائل گوناگونی مانند حضانت از فرزند و نقش خود در جایگاه مالک و فعال اقتصادی و همچنین حامی فرزندان در مقابل ظلم استفاده می‌کردند. طبق همین اسناد، هم چنین بر ما اثبات شد که فرزندان نیز این حقوق را برای مادرانشان به رسمیت می‌شناختند و در صورت لزوم، با کسب اجازه از آنها، وارد معاملات می‌شدند؛

۳. زنان شهرنشین در عرصه اقتصادی صاحب حقوقی بودند و به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداختند. آنچه ما از اسناد دریافتیم، نقش فعال و پویای آنان در این زمینه بود. زنان آزادانه به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداختند، وارد معاملات می‌شدند، بر اموال خود تملک داشتند، و اختیار آنها را در دست داشتند؛

۴. در مطالعه «حقوق زن در دعاوی و مراجع قضایی» سراغ عریضه‌ها و استشهادنامه‌ها رفتیم. این نوع اسناد به ما نشان داد با آن که در سراسر دوره قاجار از هر دو نوع اسناد استفاده شده، عریضه‌ها در مقایسه با استشهادنامه‌ها رواج بیشتری داشته‌اند. علت آن را شاید بتوان تشکیل مجلس و تغییر نوع حکومت دانست که سبب می‌شد نوع درخواست مردم برای پی‌گیری شکواییه‌هایشان تغییر کند. نکته جالب توجه این که با آن که عریضه می‌تواند به هر شخصی نوشته شود که از نظر اجتماعی و سیاسی بالاتر است و می‌تواند پی‌گیر حقوق شاکی شود، اما بعد از مشروطه مخاطب عمده عریضه‌ها، مجلس، وزارت عدلیه، و وزارت خارجه‌اند و حتی در اسناد دیده شد که در پاره‌ای موارد، افراد شکایت خود را از والیان و حکام محلی به مجلس برده‌اند که شاید بتوان گفت این تلاشی به منظور احقاق حقوق شهروندی مردم و به‌ویژه زنان ایرانی بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این گزاره چنان بدیهی است که به استناد نیازی ندارد، اما برای تفصیل آن بنگرید به مجموعه آثار بنفشه حجازی که موضوع زنان را از دوران باستان تا پایان دوره قاجار پی‌گیری کرده است.
۲. درباب مردسالارانه بودن یا حتی زن‌ستیزانه بودن ادبیات فارسی آثار متعددی نوشته شده که شاید شاخص‌ترین آن‌ها کتاب درخشان مریم حسینی (۱۳۹۳) باشد.
۳. برای نمونه، این اثر کلاسیک تنجیمی: ابوریحان بیرونی ۱۳۵۱: به‌ویژه در تعاریف سیارات.

۴. برای مثال، می‌توان به تلقی‌های ناصواب از این آیات اشاره کرد: آل عمران: ۱۴؛ یوسف: ۲۸؛ نساء: ۳۴. هم‌چنین گاه به احادیث ضعیفی برمی‌خوریم که مستمسک زن‌ستیزان قرار گرفته است. برای تفصیل این احادیث، بنگرید به مهریزی ۱۳۸۶. برخی از این خوانش‌ها چنان در تضاد با روح اسلام است که مخاطب صرفاً می‌تواند زمینه و زمانه را در صدور آن‌ها دخیل بداند. برای نمونه، بنگرید به آرای ملاصدرا در باب زنان که آن‌ها را در عداد «حیوانات» ذکر کرده و ملاهادی سبزواری چند قرن بعد در شرحی که بر *اسفار* نوشته بر آن مَهر تأیید مجدد زده است (بنگرید به ملاصدرا بی تا: ج ۷، ۱۳۶).
۵. این برداشتی بود که خود فعالان حقوق زن عصر قاجار از آن داشتند. برای نمونه، بنگرید به مقالات انتقادی روزنامه‌ی شکوفه که در واقع نخستین روزنامه‌ی مخصوص زنان در دوره‌ی قاجار بود که پس از مشروطه برای چند سال مجال انتشار یافت.
۶. برای تفصیل این فعالیت‌ها که بیش‌تر زنان سردمدار آن بودند، بنگرید به خسروپناه ۱۳۸۱: به‌ویژه بخش دوم.
۷. آثار بنفشه حجازی را، گرچه تلاش کرده است تصویری به‌زعم خود متعادل از زنان ارائه دهد، می‌توان در ردیف این آثار به‌شمار آورد. عناوین برخی از کتاب‌های او مثل *تاریخ هیچ‌کس* نشان از جهت‌گیری‌های فمینیستی نویسنده دارد؛ محتوای این آثار نیز نشان می‌دهد که او تمام توان خود را بر ارائه‌ی تصویری سیاه‌نما از زن متمرکز کرده است.
۸. پوشیدنی یا لباس.
۹. افراز به‌معنای تقسیم ملک مشاع است (*لغت‌نامه*، ذیل مدخل «افراز»).
۱۰. نذر از ایقاعات است.

شیوه‌ی ارجاع به این مقاله

باقری ایبانه، الناز و بهزاد کریمی (۱۳۹۹)، «بازخوانی حقوق زنان شهرنشین در دوران قاجار براساس اسناد آرشیوی دنیای زنان در عصر قاجار»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، س ۱۰، ش ۲.
doi: 10.30465/shc.2021.32257.2121

کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوران قاجار*، تهران: آگاه.
- ابوریحان بیرونی (۱۳۵۱)، *التفهیم لأوائل صناعة تنجیم*، با تعلیقات جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.

- جواهری، مریم (۱۳۹۵)، پژوهشی در عقده‌نامه‌های ازدواج دوره قاجار، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۱)، ضعیفه: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفویه، تهران: قصیده‌سرا.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۵)، تاریخ هیچ‌کس: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر افشاریه و زندیه، تهران: قصیده‌سرا.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۴)، تاریخ خانم‌ها: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار، تهران: قصیده‌سرا.
- حسینی، مریم (۱۳۹۳)، ریشه‌های زن‌ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی، تهران: نشر چشمه.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۱)، هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران: پیام امروز.
- دهقان‌نژاد، مرتضی و الهه محجوب (۱۳۹۴)، «روابط حقوقی زن و مرد دوره قاجار در نظام خانواده»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ش ۲.
- رضایی، امید (۱۳۹۰)، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طیباتی، حسین (۱۳۵۳)، «سیری در قبایله‌های ازدواج»، هنر و مردم، ش ۱۴۰-۱۴۱.
- علیپور، نرگس (۱۳۸۹)، «منع برده‌فروشی در عصر قاجار به روایت اسناد»، مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، س ۴۲، ش ۸۵/۴.
- کریستین‌سن، آرتور (۱۳۶۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- لغت‌نامه (۱۳۷۷)، به‌کوشش علی‌اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- ملاصدرا، (بی‌تا)، اسفار اربعه، قم: مکتبه مصطفوی.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۶)، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران: علمی و فرهنگی.
- میربغدادآبادی، فرشیده (۱۳۹۲)، «امیدوار به روایتی متفاوت از تاریخ زنان»، اندیشه پویا، س ۲، ش ۹.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۹۲)، «به‌دنبال تاریخ خانه‌به‌خانه می‌گردیم»، اندیشه پویا، س ۲، ش ۹.

اسناد

- آرشبو برخط «دنیای زنان در عصر قاجار (دزدعق)» وابسته به دانشگاه هاروارد به آدرس: <http://www.qajarwomen.org>.
- دزدعق، مجموعه آذرکیوان و محمدرضا رفیعی، سند ۱۲۸۰۸۹.
- دزدعق، مجموعه آستان قدس، سند ۱۴۱۲۶۸۶۹.
- دزدعق، مجموعه ایران دیبی، سند ۱۴۱۴۵۸۲؛ ۱۴۱۴۵۸۳؛ ۱۴۱۴۵۸۴؛ ۱۴۱۴۵۸۸۲.
- دزدعق، مجموعه اشرفی، سند ۱۱۳۸۸۱۸۷.
- دزدعق، مجموعه الهه بهرامی، سند ۱۶۱۷۵۸۳۸.
- دزدعق، مجموعه امیرحسین نیک‌پور، سند ۱۴۱۴۲۸۴۲؛ ۱۴۱۴۲۸۸۲؛ ۱۴۱۴۲۸۱۵۰؛ ۱۴۱۴۲۸۵۲۱.

بازخوانی حقوق زنان شهرنشین در دوران قاجار ... (الناز باقری ابیانه و بهزاد کریمی) ۵۵

- دزدعق، مجموعه بهرام شیخ‌الاسلامی، سند ۱۱۳۹A۱۱۱؛ ۱۰۱۶A۱۸۳.
- دزدعق، مجموعه بهمن بیانی، سند ۳۱B۰۶۶.
- دزدعق، مجموعه جمال رادفر، سند ۱۶۱۷۹A۱؛ ۱۶۱۷۹A۴؛ ۱۶۱۷۹A۶۹؛ ۱۶۱۷۹A۷۴؛ ۱۶۱۷۹A۸۴؛ ۱۶۱۷۹A۸۶؛ ۱۶۱۷۹A۱۰۵؛ ۱۶۱۷۹A۲۶۹؛ ۱۶۱۷۹A۳۱۲.
- دزدعق، مجموعه رضا سرابی اقدم، سند ۱۴۱۴A۸۳۲.
- دزدعق، مجموعه زانیار نوری، سند ۱۳۱۱۸A۱۱؛ ۱۳۱۱۸A۲۶؛ ۱۳۱۱۸B۹؛ ۱۳۱۱۸B۱۷؛ ۱۳۱۱۸B۲۶؛ ۱۳۱۱۸B۴۷.
- دزدعق، مجموعه سعید بدیهی، سند ۱۵۱۶۶A۳۸.
- دزدعق، مجموعه سیده‌مهدی خطیبی، سند ۱۲۵۶A۱۸.
- دزدعق، مجموعه عبدالعلی سلطانی مطلق، سند ۱۲۵۸A۱۶.
- دزدعق، مجموعه غلامرضا سحاب، سند ۱۳۱۰۶A۱.
- دزدعق، مجموعه کارن، سند ۱۲۵۲A۱۳۳؛ ۱۲۵۲A۱۳۶؛ ۱۲۵۲A۱۳۹؛ ۱۲۵۲A۱۵۵؛ ۱۲۵۲A۱۹۹؛ ۱۲۵۲A۲۱۰؛ ۱۲۵۲A۲۵۰؛ ۱۲۵۲A۲۵۶.
- دزدعق، مجموعه مجید قاضی‌زاده، سند ۱۶۱۸۷A۲.
- دزدعق، مجموعه محمد عسگری، سند ۱۴۱A۳۲.
- دزدعق، مجموعه مرکز اسناد و کتابخانه استان یزد، سند ۱۳۱۲۲A۳۱.
- دزدعق، مجموعه موزه قاجار، سند ۱۴۱۵۰A۲۸.
- دزدعق، مجموعه موزه مردم‌شناسی اوز، سند ۱۶۱۸۴A۱.
- دزدعق، مجموعه میثم احمدی کافشانی، سند ۱۵۱۶۱A۱۸؛ ۱۵۱۶۱A۴۶؛ ۱۵۱۶۱A۶۶؛ ۱۵۱۶۱A۱۵۷.

